



8 سپتامبر 2019

فراخوان بخاطر آتش بس فوری و سرتاسری لغو مذاکرات و یا قطع خشونت و کشتار افغانان

در یکسال اخیر که بر اساس صوابدید کمپاین رئیس جمهور امریکا، پروسه صلح افغانستان بيك "پروژه" پر شتاب مبدل و بعد از (۹) دور مذاکرات با طالبان، صحبت از تکميل طرح "موافقت نامه صلح" ميشود، درحاليکه در افغانستان حمام خون برپا و همه روزه در نقاط مختلف کشور حوادث همانند کربلا، صبرا و شطیلا تکرار میگردد و گویی به "صلح مسلح" و دور جدید بحران و آشوب "توافق" صورت گرفته است؛ اما ما هیچگاهی شاهد کدام اعتراض بر . اکنون آقای عاملان این همه قتل و کشتار نبوده ایم، در حالیکه همیشه طالبان مسوولیت آنرا رسماً به عهده گرفته اند ترامپ رئیس جمهور امریکا به بهانه قتل يك منسوب نظامی شان که مایه تاسف است مذاکرات با طالبان را لغو مینماید جنگ اعلام نشده پاکستان با ابعاد پیچیده آن دوام دارد و : که هیچ اثر مثبت بر تراژیدی خونبار افغانستان ندارد، زیرا بدینرو بسیار ضرور است تا در پرتو منافع . درین راستا حملات انتحاری، جنگ و کشتار طالبان نیز شدت خواهد یافت و مصالح علیای افغانستان و پاسخ به ندای نعش آغشته بخون مادر وطن، خواست واقعی مردم مظلوم و به عزا نشسته افغان را بخاطر ختم خشونت، قتل و کشتار و صلح واقعی مطرح ساخت.

در تراژیدی خونبار افغانستان که معلول و محصول مداخله و تجاوز خارجی است، بعد از چهاردهه و حضور گسترده نظامی، سیاسی و اقتصادی امریکا و تجربه اولین ماموریت سازمان نظامی ناتو در قاره آسیا، صفحات خونین دیگر افغانستان که در چهار دهه و نیم اخیر در معرض جنگ اعلام نشده پاکستان قرار دارد و قربانی تجاوز . گشوده میگردد و ترور بوده است، آماج دور جدید ترور، قتل و کشتار اهالی ملکی، خشونت، شرارت، قساوت، دهشت طالبان و بمباردهای هولناک و عملیات زیانبار شبانه ناتو توأم با تلفات مردم بیگناه ملکی قرار دارد که همه انکارناپذیر و مشهود آنچه در افغانستان انجام میابد مطابق به تمام معیارهای حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (1907 م) تا است پس اساسنامه نورنبرگ ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن، کنوانسیونهای چهار گانه ژنیو و معیارهای هفت گانه تیوری پردازیهها در . صلیب سرخ بین المللی در کتگوری جنایات جنگی، ضدبشری و علیه بشریت تعریف میگردد راستای توجیه تشدید جنگ و خشونت در اوج "مذاکرات صلح" بخاطر کسب امتیاز سیاسی در احوال افغانستان مصداق ایالات متحده امریکا از لحاظ . ندارد . جنگ و خشونت در کشور ما بحساب " منازعات متعارف " غیرقابل تعریف است سوابق تاریخی و هم در عمل بر هر دو طرف اصلی جنگ (طالبان و دولت) اشراف دارد و با کشور میزبان و حامی اظهر من الشمس است . جدی طالبان "تعهد" و تمکین دارد و پاکستان عنوان "متحد غیر اروپایی ناتو" را حایز میباشد صلح : که استیلای خون و خشونت مبین پیچیدگی و بغرنجی مسایل و مصایب وطن ما و بازگو کننده این حقیقت است که افغانستان همانند جنگ آن باید محصول تفاهم قدرتهای رقیب بین المللی و منظوقی باشد و مقدرات تاریخی کشور ما در توسط امریکا و رقبای جهانی جیوپولوتیک آن در حالی رقم میخورد که جنگهای نیابتی " دور جدید بازیهای بزرگ " قدرتهای رقیب منظوقی و گره زدن معضله کشمیر با صلح در سرزمین ما و عوامل متعدد دیگر، منجمله مافیای اقتصاد

بدینرو رسالت انسانی، ملی، وطنی و تاریخی افغان‌ها است تا جرمی مواد مخدر و معادن و ... چالش آفرین میباشند

با عقلانیت سیاسی و چنگ زدن به مصالح عالی افغانستان از:

- حق موجودیت و تداوم افغانستان، حق دستیابی به صلح واقعی که بقای کشور در گرو تحقق آن است،

حق مردم و کشور بخاطر گذار بشاهراه صلح و توسعه دفاع نمایند -

خواست برحق، اولویت اساسی، سوال مرگ و زندگی و آرمان گمشده مردم به عزا: بی نیاز از اثبات است که صلح این آرمان والای انسانی، اسلامی، افغانی و شریفانه بحیث خواست عالی اما همیشه بیاد داشته باشیم که نشسته ما میباشد بیاد باید داشت که صلح اخلاقی فقط و فقط در وجود مکانیسم دقیق و شفاف سیاسی و هم‌نوایی کامل میتواند متحقق گردد واقعی نه معامله کتمانی است و نه "پروژه" بی که مطابق ذوق طراحان فقط در خدمت منافع يك جانب قرار گیرد.

«هیچ: خوب است جانب امریکا این سخن ارزنده ابراهام لینکن رئیس جمهور اسبق امریکا را ملاک عمل قرار دهند که معضله بی حل نخواهد شد تا زمانیکه عادلانه حل نگردد»

صلح پروسه کثیرالجوانب است که با مرگ و زندگی سی میلیون انسان مرتبط میباشد و مردم "مارگزیده" حق دارند و صلح در گام نخست ارجح است مستحق میباشد تا آنچه بر سرنوشت شان میگذرد آگاه و در حل مشکلات شان سهیم باشند. گذاشتن و احقاق حقوق مردم است که مالک حق حاکمیت ملی میباشد و اعمال آن بطور انحصاری بمردم تعلق دارد. زنان که بیشتر از نیم بیکر جامعه را تشکیل میدهند، چگونه میتوان از صلح صحبت کرد و حقوق سه اکثریت بزرگ "قربانیان جنگ و مستمندان و جوانان که تا هفتاد فیصد جامعه میباشد؛ در انحصار سی تن از به اصطلاح قرارداد تا در همه جا و هر مورد "وکیل" مدام العمر و تام الاختیار تمام اقشار مردم باشند" سیاستمداران مطرح اعتراف جناب خلیل زاد به اشتباهات گذشته و عواقب آن بر سرنوشت افغانستان نکته مثبت است، اما درس گرفتن و عدم قباحیت زدایی از یکطرف و مشروعیت زدایی از تکرار آن و «کلوخ را ماندن و از آب گذاشتن» باید مطمح نظر باشد طرف دیگر و تضعیف و دورزدن نهاد و موسسه دولت موجود، افغانستان را به نقطه صفری میرسد و در آن حالت تکرار همان فاجعه و جنایات سال (1992 م) محتمل خواهد گردید.

پاشنه آشیل افغانستان فقدان دولت ملی مقتدر، قانون محور و عدالت گستر که صلح باید راه تحقق آنرا مساعد بسازد برای رسیدن به این کلیدی ترین بخش معضله چندین دهه و در غیر آن صلح واقعی و مثبت وجود نخواهد داشت مذاکرات مستقیم دو طرف اصلی: افغانستان باید به متعارفترین مکانیسم محصول تجربه جهانی تمکین گردد که همانا این مذاکرات باید غیرمشروط بخاطر بحث بر مجموع مسایل بشمول جنگ، طالبان و دولت موجود افغانستان میباشد معلول عدم توجه به "بن بست" موجود و "لغو مذاکرات". قیمت صلح واقعی است که هر دو طرف باید آنرا بپردازند در هیچ مورد موافقه نخواهد: همین موارد فوق الذکر است، در حالیکه جناب خلیل زاد بارها اطمینان داده است که در دستورکار قرار دارد "در حالیکه" عقد موافقتنامه "گردید تا بر مجموع هر چهار مورد آجندا توافق صورت نگیرد. تا کنون طالبان از مذاکره مستقیم با دولت اجتناب مینمایند و به عوض آتش بس جنگ و خشونت را گسترش داده اند بدینرو انجمن حقوقدانان افغان در اروپا بمتابسه يك نهاد مسلکی و شخصیت حقوقی مستقل و غیروابسته به طرفین متخاصم جنگ، بخاطر توقف قتل و کشتار افغان‌ها، فاجعه حقوق بشر و جلوگیری از سقوط افغانستان و تقسیم بساحات نفوذ، تروریستان و جنگ سالاران مرکزوقانون ستیز، پیشنهاد مینماید تا هر سه جانب دولت، تحریک اسلامی طالبان و امریکا آتش بس باید پیشتر هر نوع توافق و مذاکره با طالبان بویژه از آتش بس فوری و سراسری را اعلام و نافذ نمایند همزمان با اعلام اوربند مذاکرات مستقیم دولت و تحریک اسلامی طالبان آغاز گردد و رهایی. جانب امریکا مطرح گردد محبوسان طالبان منوط به انفاذ و رعایت آتش بس گردد.

انجمن با کمال احترام از جلالتماب سرمنشی سازمان ملل متحد که در جلسه دیروز شورای امنیت آن سازمان «وضعیت بد امنیتی افغانستان افزایش تلفات اهالی ملکی ، حقوق بشر و ... را بسیار نگران کننده و مستلزم کمک سازمان ملل تقاضا مینماید تا با استفاده از صلاحیت شان که در منشور سازمان ملل متحد مسجل است ، مساعی جمیله متحد دانست» . شانرا بخاطر اعلام و انفاذ آتش بس فوری بخرج داده ومکانیسم نظارت از تطبیق آتش بس را زیر نظر داشته باشند . چگونگی برخورد جوانب جنگ به موضوع آتش بس محک آزمایش و مبین نیت و اراده آنان بخاطر صلح واقعی میباشد و مردم در عمل تشخیص میدهند که: که طرفدار خونریزی و عامل قتل و کشتار چندصد افغان در يك روز میباشدند و . بالاثر تداوم جنگ و خشونت زمینه ساز حضور نظامیان خارجی در کشور میگردند .

انجمن همچنان با مراجعه به افغانان با درد و احساس در داخل و خارج کشور تمام سازمانهای سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، جوامع مدنی و مدافعان حقوق بشر تقاضا می دارد تا بخاطر نجات افغانستان و دستیابی به صلح واقعی به اعلام و رعایت آتش بس فوری را مطابق شرح بالا منحث میرمترین خواست مردم مظلوم : ندایی مادر وطن لبیک گفته به کمپاین همگانی مبدل سازند تا تحریک طالبان و جانب امریکا و سازمان ناتو متقاعد به خواست برحق دولت و مردم مظلوم ما تمکین نمایند.

حق داده نمیشود ، تا گرفته نشود و ما حق افغان و افغانستان را میخواهیم. : ما باور و ایقان کامل داریم که

با حرمت
هیات رهبری انجمن
میر عبدالواحد سادات رئیس انجمن